

تأثیر آموزش مدیریت روابط همشیران به مادران بر بهبود روابط همشیران

سوده آقامحمدی^{۱*}، محمدعلی مظاهری^۲، کارینه طهماسبیان^۲^۱ کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی soudehmohammadi@gmail.com^۲ عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

هدف این مطالعه بررسی آموزش مدیریت روابط همشیران به مادران بر بهبود روابط همشیران، بود. بدین منظور از بین مادران دارای حداقل دو کودک ۳ تا ۱۲ سال، تعداد ۳۶ نفر که در روابط بین دو فرزند خود تعارضاتی را به مدرسه و یا مهدکودک، گزارش داده و تعارضاتشان با پرسشنامه روابط همشیران تأیید شد، انتخاب و در گروه‌های آزمون و شاهد، قرار داده شدند. نمرات شرکت کنندگان به عنوان پیش‌آزمون در نظر گرفته شد. گروه آزمون تحت مداخله‌ی آموزش مدیریت روابط همشیران، قرار گرفت. در پایان مداخله، پس‌آزمون به عمل آمد و بعد از ۱ ماه هر دو گروه، پیگیری شدند. داده‌ها با آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری‌های مکرر، مورد ارزیابی قرار گرفتند. بر طبق نتایج آموزش مدیریت روابط همشیران به مادران در جهت بهبود روابط همشیران به جز عامل رقابت منفی اثربخش بود. در نهایت به نظر می‌رسد اصلاح شیوه‌های رفتاری مدیریت روابط همشیران از سوی والدین راه را برای بهبود عملکرد و روابط همشیران، هموار ساخته است.

کلید واژه‌ها: آموزش مدیریت روابط همشیران؛ روابط خواهر و برادری؛ مادر

مقدمه

سازگاری بچه‌ها با به دنیا آمدن یک خواهر یا برادر و کنار آمدن آن‌ها با یکدیگر، از متداول‌ترین نگرانی‌های والدین است. تولد فرزند جدید، استرس مهمی برای خواهر و برادر اوست و برخی واکنش‌ها در خواهر یا برادر نشان می‌دهد که در حال کنار آمدن با این استرس است (فیروزبخت، ۱۳۸۵). واکنش منفی اکثر بچه‌ها ظرف مدت ۴ ماه کاهش می‌یابد و ظرف یک سال برطرف می‌شود؛ با این حال، یکسال بعد از تولد که تحریک و کنجکاوای فرزند بزرگتر بیشتر می‌شود، اختلافات آن‌ها با هم نیز بیشتر می‌شود (کمپبل، ۱۹۹۰). در ابتدا خواهر یا برادر بزرگتر، بر رابطه مسلط می‌شود؛ ولی در پایان سال دوم، فرزند کوچکتر هم تلافی کردن، پرخاشگری، مسخره کردن و تحریک خواهر و برادر بزرگتر را شروع می‌کند. دعوی خواهر و برادرها از ۱۸ ماهگی فرزند دوم رسماً آغاز می‌شود (دان و مان، ۱۹۸۶). روابط خواهر و برادری در دوران کودکی نشانگر نتایج آتی مثبت و منفی، می‌باشد. یکی از راه‌های تأثیرگذاری مثبت این روابط بر روی همشیران، از طریق به اشتراک گذاشتن تقابل‌ها مانند رفتارهای کمک‌کننده‌ای از قبیل آموزش، مراقبت و حفاظت و یا تأمین تجربیات با تقابل اجتماعی و حل مشکل (آرونن، ۱۹۹۹) می‌باشد. در این زمینه، بورول، استوکر و بریجز (۲۰۰۲)، اثرات منفی درازمدت این روابط بر روی خواهر و برادرها را مشخص کردند و دریافتند روابط خواهر و برادری در میانه دوران کودکی می‌تواند تطبیق کودک در نوجوانی شامل اضطراب کودک، خلق افسرده و رفتار بزهکارانه را پیش‌بینی کند. همچنین اثر منفی درازمدت را می‌توان در نتایج رفتاری نشان داد. روابط مثبت خواهر و برادری تجربه‌ی وقایع استرس‌زای زندگی بر روی کودک را خنثی می‌کنند (گاس و همکاران، ۲۰۰۷). پدر و مادر نقش بسیار مهمی در روابط بین همشیران دارند به طوری که می‌توانند این روابط را بهبود بخشند یا بدتر کنند. پدر و مادر همیشه باید فرزندانشان را به هم نزدیک‌تر کنند و باعث صمیمیت کودکانشان با هم شوند، اما متأسفانه گاهی بعضی از پدر و مادرها برای این که روابط خودشان را با تک‌تک فرزندان حفظ کنند مانع از این صمیمیت می‌شوند و در واقع روابط خواهر و برادری را رقیبی برای روابط والد-فرزندی می‌بینند، در صورتی که به هیچ وجه این گونه نیست و بهتر شدن هر یک از این روابط بر دیگری اثر گذاشته و این روابط با هم رابطه مستقیم دارند (هابر، ۲۰۱۰). روش مداخله والدین در اختلافات کودکان نیز در نوع روابط بین خواهر و برادرها نقش دارد (فیروزبخت، ۱۳۸۵). با توجه به پژوهش‌های اندک در داخل

کشور در زمینه‌ی اثربخشی آموزش والدین بر بهبود روابط همشیران، در این پژوهش، آموزش مدیریت روابط همشیران توسط مادران به عنوان عامل مداخله‌گر در بهبود روابط همشیران، مد نظر قرار گرفته است.

روش

شرکت‌کنندگان و طرح پژوهش

پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه تجربی که با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون به همراه گروه شاهد انجام شده است. جامعه‌ی پژوهش شامل تمامی مادران دارای حداقل دو کودک ۳ تا ۱۲ سال ساکن در شهر تهران که شرایط ورود به مطالعه را دارا بودند، می‌باشد. شرایط ورود آزمودنی‌ها به مطالعه به این صورت بود: ۱- آزمودنی دارای حداقل دو فرزند در سنین بین ۳ تا ۱۲ سال داشته باشد؛ ۲- آزمودنی در روابط بین دو فرزند خود تعارضاتی را به مدرسه و یا مهدکودک مورد نظر گزارش داده باشد و بر اساس پرسشنامه روابط همشیران، تعارضات ذکر شده، مورد تایید قرار گیرد؛ ۳- آزمودنی برای شرکت در پژوهش اعلام رضایت کرده باشد. همچنین، مادرانی از گروه مداخله که نمی‌توانستند طبق مقررات برنامه در حداقل ۵ جلسه از جلسات آموزشی شرکت کنند، و مادرانی از گروه شاهد و آزمون که امکان تکمیل پرسشنامه‌ها را در مراحل پس‌آزمون و پیگیری نداشتند از پژوهش کنار گذاشته شدند. نمونه‌ها تعداد ۳۶ نفر از مادران جامعه فوق بودند که به شکل تصادفی گروه آزمون (۱۸ نفر) و شاهد (۱۸ نفر) قرار داده شدند.

ابزار

پرسشنامه سنجش روابط همشیران (SRQ): توسط فرمن (۱۹۸۵) در دو فرم کوتاه و بلند ساخته شد و توسط عزیزی (۱۳۹۰) به فارسی ترجمه شده است. در این پژوهش از فرم بلند این پرسشنامه نسخه مادر استفاده شد. فرم بلند این آزمون دارای ۴ عامل صمیمیت؛ تعارض؛ رقابت و وضعیت نسبی قدرت، است. نمره گذاری به روش لیکرتی ۵ درجه‌ای در یک پیوستار از "خیلی کم" تا "خیلی زیاد" نمره-گذاری می‌شود. ماسر و جکوب (۲۰۰۲) ضمن گزارش آلفای کرونباخ $0/90$ و $0/68$ برای دو عامل صمیمیت و تعارض، اعتبار همگرا این مقیاس را با مقیاس محیط خانواده در حد مطلوبی گزارش نمودند (عزیزی، ۱۳۹۰).

شیوه اجرا

در این پژوهش برای آموزش به مادران از "بسته‌ی آموزشی مدیریت روابط همشیران" که توسط آقامحمدی، مظاهری و طهماسیان (۱۳۹۱)، بر مبنای کتاب "همشیران بدون رقابت" نوشته‌ی فابر و مازلیش (۲۰۰۲)، تهیه شده است، استفاده شد. در مرحله بعد برای اجرای پژوهش برای آزمودنی‌ها، اهداف مطالعه، توضیح و از آنان تعهد گرفته شد که تا پایان پژوهش با پژوهشگر همکاری داشته باشند. سپس نمره‌ی هر یک از آزمودنی‌ها به عنوان نمره پیش‌آزمون در نظر گرفته شد. گروه مداخله بعد از اجرای پیش‌آزمون، طی ۶ جلسه به صورت هفته‌ای ۱/۵ ساعت به جز جلسه آخر که به دلیل موضوع جلسه ۲ ساعت زمان می‌برد، تحت مداخله‌ی آموزش مدیریت روابط همشیران، قرار گرفتند. این در حالی بود که افراد گروه شاهد، هیچ مداخله‌ای دریافت نکردند. در پایان مداخله، از هر دو گروه پس‌آزمون به عمل آمد و بعد از ۱ ماه نیز هر دو گروه، پیگیری شدند. لازم به ذکر است که در طول ۶ هفته درمان، آزمودنی‌ها در فاصله بین جلسه‌ها به صورت تلفنی می‌توانستند با پژوهش‌گر در ارتباط بوده و راهنمایی شوند. مداخله بدین شرح انجام شد: جلسه اول: معارفه، ارزیابی و آشنایی با مشکلات روابط همشیران و تعیین هدف مادران از شرکت در این جلسات. جلسه دوم: آموزش درک احساس و همدلی. جلسه سوم: آموزش توصیف رفتارها به جای مقایسه. جلسه چهارم: آموزش تمرکز بر روی نیازها به جای یکسان رفتار کردن. جلسه پنجم: آموزش نحوه آزاد کردن کودکان از نقش‌هایشان. جلسه ششم: آموزش نحوه مداخله موثر در دعا و آماده کردن اعضا برای اختتامیه، شناسایی موانع موجود در به کارگیری روش‌ها، علت‌یابی و رفع آن و در نهایت نتیجه‌گیری. در نهایت داده‌ها با استفاده از تحلیل واریانس با اندازه‌گیری‌های مکرر توسط نرم‌افزار SPSS-18، مورد تحلیل آماری قرار واقع شدند.

نتایج

جدول ۱. نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری‌های مکرر برای تأثیر عضویت گروهی بر میزان عامل صمیمیت همشیران در دو گروه شاهد و آزمون در مراحل پس‌آزمون و پی‌گیری

متغیر وابسته	مراحل	متغیرهای پژوهش	df	F	میانگین مجذورات	P	اندازه اثر	توان آماری
صمیمیت	پس‌آزمون	پیش‌آزمون	۱	۵/۹۰۶	۵/۴	۰/۰۲۱	۰/۱۵۲	۰/۶۵۵
	پی‌گیری	عضویت گروهی	۱	۷۵/۸۸۱	۷۰/۲	۰/۰۰۰۵	۰/۶۹۷	۱/۰۰
		پیش‌آزمون	۱	۱۷/۰۴۳	۱۱/۳	۰/۰۰۰۵	۰/۳۴۱	۰/۹۸۰
		عضویت گروهی	۱	۷۵/۷۲۸	۵۰/۱	۰/۰۰۰۵	۰/۶۹۶	۱/۰۰
تعارض	پس‌آزمون	پیش‌آزمون	۱	۵/۲۶۳	۱۴/۸	۰/۰۲۸	۰/۱۳۸	۰/۶۰۵
	پی‌گیری	عضویت گروهی	۱	۱۳/۹۴۳	۳۹/۲	۰/۰۰۱	۰/۲۹۷	۰/۹۵۲
		پیش‌آزمون	۱	۳/۵۰۳	۸/۳	۰/۰۷۰	۰/۰۹۶	۰/۴۴۳
		عضویت گروهی	۱	۱۰/۱۶۲	۲۴/۲	۰/۰۰۳	۰/۲۳۵	۰/۸۷۲
رقابت منفی	پس‌آزمون	پیش‌آزمون	۱	۲۶/۵۵۶	۱۲۶/۸	۰/۰۰۰۵	۰/۴۴۶	۰/۹۹۹
	پی‌گیری	عضویت گروهی	۱	۱/۱۸۲	۵/۶	۰/۲۸۵	۰/۰۳۵	۰/۱۸۴
		پیش‌آزمون	۱	۱/۹۱۱	۱۳/۱	۰/۱۷۶	۰/۰۵۵	۰/۲۶۹
		عضویت گروهی	۱	۰/۰۱۲	۰/۰۸۴	۰/۹۱۲	۰/۰۰۰۵	۰/۰۵۱
وضعیت نسبی قدرت	پس‌آزمون	پیش‌آزمون	۱	۴/۶۶۳	۴۱/۵	۰/۰۳۸	۰/۱۲۴	۰/۵۵۴
	پی‌گیری	عضویت گروهی	۱	۱۹/۴۶۸	۱۷۳/۴	۰/۰۰۰۵	۰/۳۷۱	۰/۹۹۰
		پیش‌آزمون	۱	۱۲/۱۲۹	۸۷/۱	۰/۰۰۱	۰/۲۶۹	۰/۹۲۲
		عضویت گروهی	۱	۱۸/۴۱۸	۱۳۲/۲	۰/۰۰۰۵	۰/۳۵۸	۰/۹۸۶

بحث

هدف اصلی این پژوهش تعیین اثربخشی آموزش مدیریت روابط همشیران به مادران بر بهبود روابط همشیران، بود. نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری‌های مکرر در مورد تأثیر عضویت گروهی بر بهبود عامل‌های صمیمیت، تعارض و وضعیت نسبی قدرت همشیران، نشان می‌دهد که تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های نمرات عامل‌های مذکور برحسب عضویت گروهی (گروه‌های شاهد و آزمون) در مراحل پس‌آزمون و همچنین پیگیری ۱ ماهه از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد، بنابراین فرضیه‌ی پژوهش در این موارد تأیید می‌گردد و نتیجه گرفته می‌شود که آموزش مدیریت روابط همشیران به مادران باعث بهبود عامل‌های صمیمیت، تعارض و وضعیت نسبی قدرت همشیران، در گروه آزمون نسبت به گروه شاهد شده است. نتایج به دست آمده از این پژوهش که مبین اثربخشی آموزش مدیریت روابط همشیران به مادران در عامل‌های مذکور است، با نتایج پژوهش‌های مک‌هال، آپدگراف، توکر و کروتر (۲۰۰۰)، که نشان دادند آموزش به هر دو والد در روابط خواهر و برادری در دوران نوجوانی، اثربخش است، همسو می‌باشد. فیروزبخت (۱۳۸۵) معتقد است، روش مداخله والدین در اختلافات کودکان، در شکل‌گیری روابط مثبت و منفی بین خواهر و برادرها نقش دارد.

در تبیین این نتیجه شواهدی مبنی بر تفاوت واقعی در رفتار والدین نسبت به کودکانشان مشاهده شده است (لانگولد، ۲۰۱۰). همچنین این نتیجه با "نظریه‌ی سازنده‌ی اجتماعی" (بنگستون و همکاران، ۲۰۰۵)، نیز قابل تبیین است. بر طبق این نظریه، افراد فهم خود از محیط اطرافشان را مبتنی بر تعاملات اجتماعی‌شان می‌سازند به طوری که در این زمینه آموزش مدیریت روابط همشیران به مادران، بر روی عملکرد همشیران تأثیر گذاشته است. از سوی دیگر، نکته مهم آنست که اثر منفی بالقوه روابط خواهر و برادری، همچون خود این روابط می‌تواند به صورت پویا تغییر کند؛ به عنوان مثال رینکس و همکاران (۲۰۰۵) دریافتند که همزمان با بهبود روابط خواهر و برادری، اثرات دراز مدت قابل انتظار این روابط نیز تغییر خواهند کرد. همچنین، کاهش نشانه‌های افسردگی در افرادی که روابط خواهر و برادریشان بهبود یافته بود، گزارش شده است. مشخص شده است که دعوی خواهر و برادها حول و حوش انواعی از موضوعات مانند توجه ناکافی والدین، حال و هوای عاطفی خانواده، پاسخ والدین به دعوی خواهر و برادر، رفتار متفاوت والدین و ویژگی‌های اخلاقی خواهر و برادرها صورت می‌گیرد. به طور کلی، رابطه همشیران متعارض‌تر در خانواده‌هایی گزارش می‌شود که مادر عاطفه، پاسخ‌گویی و کنترل رفتاری متفاوتی با فرزندان خود داشته باشد (براینت و کروکنبرگ، ۱۹۹۰). به علاوه، پاسخ‌گویی متفاوت مادر به فرزندان خود در خانواده ارتباط مثبتی با رقابت و کنترل در رابطه همشیران دارد، لذا آموزش مدیریت روابط همشیران به مادران می‌تواند این تعارضات را تعدیل کند که اثربخشی آن این پژوهش به اثبات رسید. در تبیین نتایج حاصل از این فرضیه، لازم به ذکر است که مباحث آموزش داده شده در زمینه مدیریت روابط همشیران به مادران، موجب تأثیر بر روابط مادران بر روی همشیران به ویژه همشیران بزرگتر شده و باعث تعدیل وضعیت نسبی قدرت همشیران و اصلاح عوامل زیربنایی ایجادکننده‌ی رابطه‌ی نامتقارن قدرت بین همشیران، می‌گردند و به این ترتیب بر روابط همشیران تأثیر می‌گذارند و آن‌ها را بهبود می‌بخشند.

در نهایت به نظر می‌رسد اصلاح شیوه‌های رفتاری مدیریت روابط همشیران از سوی والدین به صورت مستقیم راه را برای بهبود عملکرد و روابط همشیران، هموار ساخته است. بر طبق نتایج حاصل از پژوهش حاضر، به کارگیری این نوع شیوه‌ی مداخله‌ای به طور ویژه موثر بوده و به عنوان یک شیوه‌ی مداخله‌ای موثر و سهل‌الوصول، پیشنهاد می‌گردد.

این پژوهش با مشکلات و محدودیت‌هایی در هماهنگی با مادران جهت اجرای پژوهش و اجرای آزمون‌ها در مراحل مختلف مواجه بود. محدودبودن دامنه تحصیلی مادران و سن و تعداد فرزندان در نمونه‌ی مورد بررسی، تعمیم یافته‌های تحقیق به کل نمونه‌های خارج از این دامنه را محدود می‌سازد. همچنین مرحله پیگیری کوتاه مدت ۱ ماهه از دیگر محدودیت‌های پژوهش می‌باشد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی ضمن رفع محدودیت‌های ذکر شده این موارد لحاظ گردد: پژوهش‌های مشابهی با آزمودنی‌هایی شامل هر دو والد انجام پذیرد؛ تحقیقات بیشتری در مورد نقش والدین در رشد روابط خواهر/ برادری در طیف جمعیت‌شناسی وسیع انجام شود؛ با توجه به این کشور ما دارای قومیت‌های مختلف است، پیشنهاد می‌گردد با اجرای این بسته آموزشی بر روی قومیت‌های مختلف اثر قومیت و فرهنگ نیز بررسی شود.

منابع

- Aronen, E. (1999). Family and social factors affecting 10 to 11-year-old children's mental development. *Nordisk Psykiatrisk Tidsskrift*, 45, 47-51.
- Bengston, V., Acock, A., Allen, K., Dilworth-Anderson, P., & Klein, D. (2005) *Sourcebook of Family Theory & Research*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Campbell, S.B. (1990) *Behavior problems in preschool children: clinical and developmental issues*. New York: Guilford Press.
- Dunn, J., & Munn, P. (1986). Sibling quarrels and maternal intervention: Individual differences in understanding and aggression. *Journal of Child Psychology and Psychiatry and Allied Disciplines*, 27,5, 583-595.
- Gass, K., Jenkins, J., & Dunn, J. (2007). Are sibling relationships protective? A longitudinal study. *Journal of Child Psychology & Psychiatry*, 48,2, 167-175.

- Howe, N., Aquan-Assee, J., Bukowski, WM., Lehoux, PM., & Rinaldi, CM. (2001). Siblings as confidants: Emotional understanding, relationship warmth and sibling self disclosure. *Social Development*, 10(4), 439-454.
- Huber, J. S. (2010). *The mediating effect of sibling warmth on parental stress in families with children who have attention deficit hyperactivity disorder*. Florida: The Florida State University.
- Jenkins, J. M., & Smith, M. A. (1990). Factors protecting children living in disharmonious homes: Maternal reports. *Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, 26, 60-69.
- McHale, S. M., Updegraff, K. A., Tucker, C. J., & Crouter, A. C. (2000). "Step In or Stay Out? Parents' Roles in Adolescent Siblings' Relationships." *Journal of Marriage and the Family*. 62,3, 746-760.
- Moser, R. P., & Jacob, T. (2002). Parenting and sibling effects in adolescent outcomes , *Psychological Reports*, 91,2, 463-480.
- Van Langeveld, A. C. (2010). *Sibling Relationships, Stress and Well-being during Early Adolescence*. Brigham Young University.

Archive of SID